

آسیب‌شناسی^۱ عزاداری امام حسین (ع)
محمدحسین صادقی^۲

چکیده

رخداد عاشورا از بزرگ‌ترین حوادث تاریخ بشریت است. گرامی داشت این حادثه و عزاداری شهادت امام حسین(ع)، ظرفیت و قابلیت بی‌مانندی در معرفی و ترویج فضیلت‌های انسانی و اسلامی و تعالی ارزش و کمال‌های انسانی دارد. با این همه میان این توانمندی و بهره‌گیری جوامع اسلامی و بشری از آن، تناسب وجود ندارد. به باور نگارنده این عدم تناسب، معلول آسیب‌های است که در بخش محتوا و قالب‌های عزاداری وجود دارد. آسیب محتوایی شامل، تفسیر الهی محض حادثه، برداشت صوفیانه، دیدگاه بشری، عدم توازن عاطفه و عقل، محدود کردن حادثه عاشورا، شهادت برای شفاعت و بخشش گناه امت، جبرگرایی و دهرگرایی

۱. این اصطلاح در حوزه دین چیزی جدید است و اتفاق معنایی در آن حاصل نشده است. این اصطلاح گرفته شده از علم پزشکی است «پاتولوژی» به معنای مطالعه علمی بیماری، علت، فرایند، توسعه و پیامدهای آن است. Oxford dictionary, oxford university press, sixth edition.
در حوزه دین، مراد این است که چه اشکالات و مسائلی در کار دین و دین‌داری جامعه ممکن است بروز کند و به دین آسیب برساند. حداد عادل، پیام حوزه، شماره پنجم، ص ۳.

و غلو و افسانه‌سازی است و آسیب‌های صوری، نبود منابع قوی و پالایش شده تاریخی و عدم نظارت و تدبیر روش‌های عزاداری را در برمی‌گیرد.

مقدمه

با اطمینان می‌توان گفت کمتر حادثه‌ای در تاریخ وجود دارد که مانند حادثه عاشورا مرز زمان و مکان را بشکند؛ نامیرا، جاویدان و اثرگذار به حیاتش ادامه دهد و فراتر از این، بالنده و رو به رشد، جهت‌بخش و زندگی‌ساز، انسان و جوامع انسانی را به سمت پذیرش ارزش‌های برتر انسانی و اسلامی جهت بخشد. حادثه شکوهمندی که در همه لایه‌های سنی و صنفی جامعه نفوذ می‌کند و گستره نفوذ بی‌مانندی دارد و همواره روح مبارزه، احساس شرکت در سرنوشت خود، هضم نشدن زیر فشار حاکمان و پایبندی به فرهنگ و معنویت را ارمغان می‌آورد.^۳

این رخداد که دارای ابعاد گوناگون است، حامل پیام‌های متعدد است که همه انسان‌ها را مخاطب قرار می‌دهد^۴ و ارزش‌های مشترک بشری را به انسان‌ها معرفی می‌کند؛ با این که از دل مذهب و دین خاصی می‌جوشد اما دایره نفوذش

۳. عادل ادیب، پیشوایان ما، ائمه دوازده‌گانه (ع)، ترجمه اسدالله میشری، ۱۳۶۱، نشر فرهنگ اسلامی، ص ۱۵.

۴. به همین جهت امروزه محققان به بررسی ابعاد جدید آن تمایل می‌یابند و اکنون با ادبیات بزرگی در این زمینه روبرو هستیم. به عنوان نمونه: ر.ک: محمدی ری‌شهری، محمود طباطبایی نژاد، روح الله سید طباطبایی، دانشنامه امام حسین (ع) قم، دارالحدیث، ۱۳۸۸-۱۴۳۰ق محمد دشتی، پیام‌های عاشورا، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیر المؤمنین (ع)، ۱۳۷۶؛ حسین المصطفی، ملامح المنهج التربوی فی النهضة الحسینیة، بیروت، دارالهادی، ۱۴۲۹هـ-۲۰۰۸م؛ محمدصادق مزینانی، نقش زنان در حماسه عاشورا، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۰؛ علی‌رضا واسعی و دیگران، نگاهی نو به جریان عاشورا، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۵؛ ابراهیم الحیدری، تراجم‌دیا کربلاء؛ سوسیولوجیا الخطاب الشیعی، بی‌جا، دارالکتاب الاسلامی، الطبعة الاولى، ۲۰۰۲-۱۴۲۳هـ؛ نهضت عاشورا، احمد مبلغی و دیگران، جستارهای کلامی، سیاسی و فقهی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۷؛ اندیشه عاشورا، کنگرة بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی، چاپ اول بهار ۱۳۷۵؛ آنتوان باره، حسین در اندیشه مسیحیت، ترجمه غلام حسین انصاری، بین الملل، تهران، چاپ اول، زمستان، ۱۳۸۸.



بسیار وسیع تر است.^۵ دلیل این امر، سرشت و فطرت مشترک انسان‌ها و در نتیجه وجود ارزش‌های مشترک انسانی است که نهضت عاشورا بر آن‌ها تکیه می‌کند و به نمایش می‌گذارد. در این نهضت آزادی‌خواهی، عدالت‌طلبی، ظلم‌ستیزی، معنویت، وفا، شجاعت و فضایل دیگر انسانی^۶ که میراث مشترک بشر به حساب می‌آیند، موج می‌زند.

در خصوص تاریخ اسلام، این نهضت بود که پاسبانی از آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی و برتر از آن احیای اسلام را هدف خویش قرار داد و در برابر بزرگ‌ترین تحریفی که می‌رفت تمامی زحمات پیامبر اسلام را بر باد دهد، ایستاد.^۷

بدون شک بزرگداشت سالگرد این رویداد و مجلس عزاداری امام حسین (ع) و یارانش نقش بی‌بدیل در معرفی نهضت عاشورا و آشنایی بیشتر انسان‌ها با این نهضت، پیام‌ها و الگوهای جاودانه آن داشته و دارد و بدون تردید تأکید امامان شیعه (ع) بر زنده نگه‌داری یاد این حادثه و سوگواری سالار شهیدان^۸ به این نکته نیز معطوف بوده است؛ هرچند که پاداش معنوی آن را نیز از نظر دور نمی‌داریم؛ اما پرسشی که مطرح است این است که آیا میان عظمت و ظرفیت این رخداد و انرژی و قدرت ناشی از آن که در بزرگداشت سالانه این رویداد گوشه‌ای از آن را مشاهده می‌کنیم و میان بهره‌گیری درست از آن، تناسبی هست؟

۵. عبدالکریم هاشمی نژاد، درسی که حسین به انسان‌ها آموخت، ایران، مشهد، شاهد، چاپ پنجم ۱۳۸۶، (نهضت حسین از نظر رهبران علمی و سیاسی جهان)، ص ۳۷۱.

۶. برای اطلاع بیشتر از فضائل مشترک بشری، ر.ک: آندره کنت-اسپونل، رساله‌ای کوچک در باب فضیلت‌های بزرگ، ترجمه مرتضی کلانتریان، آگاه، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۵؛ ابوالفضل موسویان، «اخلاق فضیلت‌گرا در سیاست معصومان و نهضت عاشورا» در: مجموعه مقالات حماسه حسینی، جمعی از پژوهشگران، دارالمعارف شیعی، قم، چاپ اول، پائیز ۱۳۹۱، ص ۱۸۱ به بعد.

۷. ر.ک: ابوفاضل اردکانی، پیامدهای عاشورا، تحقیقات اسلامی، قم، چاپ چهارم، بهار ۱۳۸۷.

۸. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق و تصحیح عبدالحسین امینی، نجف اشرف، دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش، باب ۴۰، ص ۱۱۶ ح ۱-۳؛ باب ۴۳.

به اعتقاد نگارنده، جواب منفی است و متأسفانه نهضتی که برای تصحیح تحریف پدید آمد، اینک خود، در معرض آسیب‌ها و تحریفاتی قرار گرفته که باروری آن را به شدت کاهش داده است. لذا آسیب‌شناسی عزاداری‌ها و یادبودهای این نهضت، ضرورتی است که باید به تأسی از بزرگانی چون محدث نوری^۹، محمدرضا مظفر^{۱۰}، محسن امین^{۱۱}، مرتضی مطهری^{۱۲}، هبة‌الدین الشهرستانی و بزرگان دیگر، پیوسته مورد توجه قرار گیرد.

این نوشته می‌کوشد در حد توان، آسیب‌های عزاداری امام حسین (ع) را - در دو بخش جوهره و شعار- باز گوید؛ تا چهره اصلی و زندگی‌بخش این رویداد، در پس حجاب‌های آویخته از سوی دوستان و دشمنان، نهان نگردد و روز به روز زمینه استفاده بیشتر از آن فراهم گردد و بر قلمرو مخاطبان آن افزوده شود.

چنان‌که اشاره کردم این نوشته، وجود آسیب‌ها را فرض می‌گیرد و می‌کوشد با شناسایی این آسیب‌ها به زدودن آن‌ها از این سنت زندگی ساز، یاری رساند. حال، اگر وجود آسیب‌ها و ضرورت شناسایی آن‌ها مفروض است، پرسش این است که با کدام معیار می‌توانیم اندیشه و رفتاری را در یادبود و عزاداری امام حسین (ع) آسیب به حساب آوریم تا درمان و تصحیح آن را توصیه کنیم؟ بهترین ملاک برای تشخیص درست و نادرست در عزاداری امام حسین (ع) اهدافی است که امام خود برای این نهضت مشخص کرده است. این اهداف که به لطف تاریخ‌نگاران در قالب مدارک تاریخی معتبر، امروزه در دسترس محققان

۹. رک: میرزا حسین نوری، لؤلؤ و مرجان، تحقیق و ترجمه جابر رضوانی، قم، بنی الزهرا(س)، چاپ اول، ۱۳۸۶.

۱۰. رک: ابراهیم الحیدری، تراجیدیا کربلاء، پیشین، ص ۴۴۷.

۱۱. رک: محسن امین، اصدق الاخبار فی قصه الاخذ بالتار، دارالمرتضی، ۱۴۲۳ق=۲۰۰۳م؛ رساله التنزیه فی أعمال التشبیه، صیدا، ۱۹۲۸؛ المجالس السنیه فی مناقب و مصائب العتره النبویه، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۲۵ق.

۱۲. حماسه حسینی (ج سوم).



است، از دل آموزه‌های قرآنی و سنت معتبر برخاسته و به شرایط تاریخی آن روز مسلمانان معطوف است. در لابلای سخنان حکیمانه امام و موضع‌گیری‌ها و سخنرانی‌های پیاپی او، به سادگی می‌توان آن را مطالعه کرد. تأکید ائمه (ع) برای زنده نگه‌داشتن عزاداری امام حسین (ع) در این راستا قابل فهم است.^{۱۳}

انواع آسیب‌ها

به طور کلی، آسیب‌های موجود در عزاداری را بر اساس ملاک فوق، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: آسیب‌های محتوایی و آسیب‌های صوری.

الف: آسیب‌های محتوایی

وجود رابطه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری دو سویه «بود» و «نمود» یا «شعار» و «جوهره»، تمایز میان آسیب‌های دوگانه فوق را دشوار می‌سازد؛ از یکسو این آسیب‌های محتوایی اند که بر آداب و رسوم، تأثیر می‌گذارند و به آن سمت و سو می‌بخشند؛ و از سوی دیگر، گاه شعارها و قالب‌های عزاداری به خاطر عدم تأمل طراحان آن، از «بود» و محتوا فاصله می‌گیرند. اما نخست باید روشن کرد که مراد از آسیب محتوایی چیست؟

مراد از آسیب محتوایی، تحلیل‌های ناسازگار با روح نهضت و تحریف معنوی علل، انگیزه‌ها و هدف‌های قیام است. این تحریف، خطرناک‌تر از تحریف لفظی است؛ زیرا [شناخت آن و شناخت پیامدهای آن دشوارتر، است]. گاهی ممکن است تحریف، از نوع افزودن و کاستن باشد که بخشی از کلام و یا شرح حادثه را به دلایلی حذف کنیم و بخشی را بگذاریم یا زیادتی در باب کلام و حادثه به وجود آوریم که به ایجاد ابهام در ماهیت و حقیقت آن منجر گردد؛^{۱۴} [شناخت این گونه

۱۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، پیشین.

۱۴. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم ۱۴۱۷ ق، چاپ: پنجم ج ۴، ص: ۳۶۵؛ محمد صادقی تهرانی الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۹۵؛ عباس گوهری-محمد جانی پور، «آسیب‌شناسی گفتمان عزاداری و روایتگری حماسه عظیم عاشورا»، در مجموعه مقالات عاشورا پژوهی، کامران ایزدی و دیگران، تهران دانشگاه امام صادق (ع)، ج دوم، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸.

تحریف و پیامدهای آن، آسان‌تر و خطر آن، کمتر است؛] ولی گاه با حفظ کلام و گزارش تاریخی، تحلیلی از حادثه ارائه می‌کنیم که درست نقطهٔ مقابل دیدگاه پایه‌گذاران و رهبران آن حادثه و رخداد است.^{۱۵} [شناخت چنین تحریفات و پیامدهای آن‌ها، نیاز به سطح بالایی از آگاهی و هوشمندی دارد.]

بر اساس تعریف فوق، نخستین دسته از آسیب‌های محتوایی، دیدگاه‌های یک‌سونگرانه‌ای است که با بزرگ کردن بخشی از این حادثه، بخش‌های دیگر را کمرنگ می‌سازد و احياناً به فراموشی می‌سپارد. این آسیب، برخاسته از گسترهٔ عظمت و زیبایی عاشورا است که سرانگشتان معجزه‌گر آفرینندگان آن، آن را به نمایش گذارده‌اند. در این حادثه، ظلم‌ستیزی، آزادگی، ایثار، حق‌طلبی، عدالت‌خواهی، پایداری، نلّت‌ناپذیری، عرفان و عشق، سیاست و دوراندیشی و دیگر کمال‌ها و ارزش‌های والای انسانی به اضافه مظلومیت و بار سنگین عاطفی، به زیباترین شکل ممکن، به ظهور رسیده است. از این رو، هر فرد و جمعی، این اثر و هنر ماندگار را از زاویهٔ خاصی نگریسته و به جنبه‌ای از آن خیره گشته‌اند.^{۱۶} در این میان به دو برداشت یک‌سونگرانه می‌توان اشاره کرد^{۱۷} که در میان آسیب‌های محتوایی، برجسته و بنیادی‌تر هستند:

۱۵. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۱۰۴.

۱۶. امروزه پژوهشگران اسلامی و غیر اسلامی در حال بررسی جنبه‌های کمتر توجه شده این رخداد، هستند برای اطلاع بیشتر، رک: حبیب الله بابائی، رنج عرفانی و شور اجتماعی، علمی و فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳ مقدمه کتاب.

۱۷. برای اطلاع بیشتر، رک: رضا محمدی، نگاه یک‌جانبه و تک‌بعدی به حماسه عاشورا، در: شناخت و تحلیل قیام عاشورا؛ عاشورا پژوهی، اصغر فرهادی و دیگران، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ اول، ۱۳۸۹، صص ۸۸-۸۹.



۱- دیدگاه الهی

در این دیدگاه، امام فردی است مأموریت یافته برای شهادت؛ بدون هیچ تمایلی در تشکیل حکومت و مطلع از همه جزئیات شهادت خود و یاران و قاتلان^{۱۸}.

باید توجه داشت ریشه دو نگاه الهی و بشری - که بعداً خواهد آمد- در اعتقاد به آگاهی امام از شهادت و یا عدم اعتقاد به آن، برمی‌گردد. البته این بحث که امام بر اساس اطلاع قبلی از سوی خدای متعال، به این امر روی آورده یا بر اساس تحلیل بشری از اوضاع، حرکتش را طراحی کرده، بیرون از محدوده این نوشته است؛^{۱۹} اما به اختصار می‌توان گفت: در این میان دیدگاه سومی وجود دارد که به نظر نگارنده، قابل قبول‌تر است. این دیدگاه، شهادت امام را برای تغییر اوضاع امت، با پیش‌بینی و بررسی کامل تأثیر آن، در نظر می‌گیرد.^{۲۰} بر این اساس، امام با آگاهی اجمالی از شهادت خویش^{۲۱} و در عین حال با معرفت کامل از تحریف‌های رخ داده در تاریخ امت اسلامی و درک آثار شهادتش، جهاد و شهادت را برگزیده است.^{۲۲} این دیدگاه با اهداف چندگانه امام در حرکت عاشورا، سازگاری بیشتری دارد.^{۲۳}

۱۸. قائدیان، «نارسایی دو دیدگاه «حکومت خواهی» و «شهادت طلبی»، در: اندیشه عاشورا، (کنگره بین المللی امام خمینی و عاشورا) ص ۴۹.

۱۹. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: نعمت الله صالحی نجف‌آبادی، شهید جاوید حسین بن علیه السلام، موسسه خدماتی فرهنگی رسا، تهران، چاپ دوازدهم، شهریور ۶۱، صص هشت تا ده.

۲۰. این نظر شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی از قدما و نظر شهید صدر و مرحوم شریعتی، از معاصرین است.

۲۱. ر.ک: ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالفکر، ج ۴، ص ۱۸؛ فقال انه لایخفی علی ما نکرت و لکن الله...؛ عبدالکریم هاشمی نژاد، درسی که حسین به انسانها آموخت، ایران، مشهد، شاهد، چاپ پنجم ۱۳۸۶، ص ۲۲۱.

۲۲. ر.ک: همان، ص ۳۵۳ به بعد.

۲۳. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: محمدحسین صادقی، عقلانیت قرآنی در نهضت عاشورا، مجله آفاق، سال نهم، شماره سی و یکم و سی دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۲۰.

حال، آن‌چه در دیدگاه الهی، آسیب به حساب می‌آید این است که این تفکر، امام را موجود نیمه‌خدایی می‌سازد و طبعاً موجود فرابشری و غیر قابل تأسی. این امر، با آیاتی که پیامبر(ص)^{۲۴} و پیامبران الهی^{۲۵} را بشر و اسوه‌های قابل تأسی و الگوگیری برمی‌شمارند و نیز با سخنان امام حسین(ع)^{۲۶} سازگار نیست. به گفته شهید مطهری، آسیب این تحلیل، شخصی‌سازی حادثه است. با این نگرش، زمینه‌ای برای تحلیل نهضت او باقی نمی‌ماند و تجلیل صرف جای آن می‌نشیند. نبود تحلیل از حرکت امام و فرابشری ساختن به تمام معنای آن، برای اقتدا و تأسی، چالش‌زا است. با این‌همه، چنان‌که اشاره کردم، مشکل در اصل الهی بودن تصمیم امام و طراحی حادثه نیست؛ بلکه در این است که ما رنگ بشری را از آن بگیریم و جمع بین هر دو جنبه الهی و بشری را غیرممکن تلقی کنیم؛ درحالی‌که در رفتار پیشوایان معصوم (پیامبران و ائمه(ع)) هر دو جنبه الهی و بشری حضور دارد و آنان همواره در حرکتشان، «سر در آسمان و پا در زمین دارند.» از یک سو در برابر وظایف دینی‌شان به تمام معنا مسؤول اند؛ و از طرف دیگر، افراد هوشمند، زیرک، سیاستمدار و مصلح هستند و محیط اطرافشان را زیر نظر دارند و پیوسته این اطلاعات را با وظایف دینی‌شان می‌سنجند و در موقعیت مناسب اقدام می‌کنند.^{۲۷} لذا ما در عین اعتقاد به این که امامت امتداد رسالت است و حسین(ع) وارث کامل رسول الله(ص) و سر اقتدا به او، همان میراث معارف و وحی است، این را نیز عنایت داریم که مخاطب دین، انسان است و پیامبر(ص) خود نیز انسان است. قرآن کریم با توصیف پیامبر(ص) به عنوان

۲۴. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» سوره احزاب، آیه ۲۱.

۲۵. «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ» سوره ممتحنه، آیه ۴.

۲۶. «فلکم فی اسوه» ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی، وقعه الطف، تحقیق و تصحیح محمدهادی یوسفی غروی، ایران؛ قم، جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۷۲.

۲۷. عبدالکریم سروش، اندیشه عاشورا، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ص ۱۷۰.



انسانی که به وحی اتصال یافته است، به این نکته تصریح می‌کند: «قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهمکم اله واحد».^{۲۸}

شهید مطهری به دو نکته در این دیدگاه به عنوان آسیب اشاره می‌کند؛ این دیدگاه از یکسو مبانی اصیل اسلام در نهضت عاشورا را می‌پوشاند و از سوی دیگر آن را دور از دسترس ما قرار می‌دهد: «یکی از انحرافات، شخصی ساختن کار امام حسین است به اینکه او خواب دید و یا مأموریت مبارزه با یزید یافت؛ به جای اینکه کار او را مستنبط از اصول کلی اسلام بدانیم. این نگاه، کار امام حسین (ع) را از حیث انتفاع بدور می‌سازد».^{۲۹}

۲- برداشت صوفیانه

جا داشت در این قسمت نگاه بشری به حادثه، مورد بررسی قرار می‌گرفت؛ اما از آنجایی که برداشت بشری، بیشتر در قالب تحلیل و دیدگاه سیاسی نمود دارد و از سویی برداشت سیاسی گاه حالت واکنشی به دیدگاه صوفیانه بوده است و حالت‌های افراطی آن از نظر زمانی دیرتر از دیدگاه صوفیانه است؛ در این قسمت به آسیب ناشی از این دیدگاه می‌پردازیم.

تفکر غالب در دیدگاه صوفیانه، نگاه معنویت‌گرایانه و برکنار ماندن از اجتماع و سیاست است. تصوف در قالب «ولایت» ظهور یافت و اصطلاح «اولیاء»، بخشی از هویت اندیشه آنان است؛ اما این ولایت بیش از آنکه زمینی باشد، آسمانی است؛ و اگر به زمینیان هم مرتبط است، برای بریدن آنان از زمین است.

با رخنه کردن تصوف در حوزه شیعه در قرن ششم، امامان شیعه نیز در زمره اقطاب و اولیای آنان جای گرفت.^{۳۰}

۲۸ سوره کهف، آیه ۱۱۰ (بگو: من تنها بشری همانند شمایم). قران کریم، ترجمه محمد صادقی تهرانی، چاپ اسوه، ۱۳۸۲.

۲۹ مرتضی مطهری، حماسه حسینی، جلد سوم، چاپ پنجم، سال ۱۳۶۶، انتشارات صدرا، ص ۲۵۲ به بعد.
۳۰ رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، انتشارات انصاریان قم، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۲۳۲. برای اطلاع بیشتر، رک: کامل مصطفی شیبی، الصلة بین التصوف و التشیع، الجمل، بیروت-بغداد، الطبعة الاولى، ۲۰۱۱م.

با طرح این پرسش که شهادت امام سیاسی بوده است یا معنوی و از سویی با شکست ظاهری سیاسی این نهضت، این پرسش مطرح گردید که خدا در این حادثه مصیبت بار برای ولی اش چه می خواسته است؟ این سؤال برای صوفیان یک پاسخ می توانست داشته باشد: «این همه، برای جایگاه والای آنان در بهشت است.» و جمله «خدا خواسته است تو را کشته ببیند»^{۳۱} این ذهنیت را بیشتر تقویت می کرد؛ چه این که: «هر که در این بزم مقرب تراست/ جام بلا بیشترش می دهند».^{۳۲} سخت گیری بر خود برای رسیدن به مقامات بالاتر که از ویژگی های اندیشه صوفیانه است، موجب تحلیل خاصی از قیام نهضت عاشورا می گشت.

از جانب دیگر با رشد تصوف و تحت تأثیر قرار دادن سنی و شیعه و پذیرش ائمه (ع) به عنوان اقطاب آنان، بعضی از اهل سنت به طور رسمی این پذیرش را منوط به جدایی خلافت از ولایت کردند و این گونه، امامان هویت غیرسیاسی یافتند. این روند ادامه می یابد تا نوبت به روضه نگار و صوفی مشهور، ملا حسین کاشفی^{۳۳} می رسد که اثر او [به نام روضه الشهداء] مبنای روضه خوانی از دوره صوفی به بعد می شود. طبیعی است که نگاه او به این حادثه، صوفیانه است و این امر تأثیر مهمی در تبدیل شدن حادثه سیاسی عاشورا، به رخداد غیرسیاسی، اما معنوی و عاطفی و با نگرش صوفیانه داشته است. از سوی دیگر، دولت صفوی، ریشه در تصوف داشت و فضای جامعه نیز چنین بوده است. این فضا، علیرغم مبارزه علمی فقها، تا مدت ها پابرجا بود و هیچ گاه کاملاً از بین نرفت.

۳۱. ان الله شاء ان یراک قتیلًا.

۳۲. این شعر از ملاحسین کاشفی است که رسول جعفریان در اثرش، آن را می آورد.

۳۳. شهید مطهری با طرح این مطلب که از دوران ائمه تا دوره شیخ طوسی، کسی به عزاداری، روضه خوانی نمی گفت و با ناراحتی از کتابی پر از جعلیات و افسانه سازی ملاحسین کاشفی در حدود ۶۰۰ سال پیش می گوید: «روضه خوانی، یعنی خواندن کتاب روضه الشهداء، همان کتاب دروغ. از وقتی که این کتاب در دست و بالها افتاد، دیگر کسی تاریخ واقعی امام حسین را مطالعه نکرد و شد افسانه سازی روضه الشهداء خواندن. ما شدیم روضه خوان؛ یعنی روضه الشهداء خوان؛ یعنی افسانه ها را نقل کردن و به تاریخ امام حسین توجه نکردن.» مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۷، ص ۹۵.



می‌توان گفت این برداشت، در تنافی با اهداف سیاسی نیست؛ اما مروج اندیشه معنوی و شخصی ساختن حادثه است. از طرفی نه به عنوان نتیجه منطقی این دیدگاه، بلکه در هماهنگی با این فضا، دستاورد امام برای پیروانش این‌گونه قابل تحلیل بود که پیروان او با سوگواری او، از وجود امام در آخرت بهره می‌برند.^{۳۴} آسیب شمردن این تحلیل، به معنای نادرست انگاشتن گریه بر امام حسین (ع) و ثواب آن نیست؛ بلکه هشدار نسبت به فضاسازی برای تلقی یک‌جانبه صوفیانه و غیرسیاسی از حادثه کربلاست. شکی نیست که برجسته کردن ثواب و تلقی آن به عنوان محوری‌ترین عامل، در عزاداری امام حسین (ع) فلسفه اصلی عزاداری او را به دست فراموشی می‌سپارد و این روند، طوری ادامه می‌یابد که به گفته یکی از محققان: «خود فلسفه عزاداری، از ابعاد ناشناخته در این زمینه می‌گردد و برداشت عموم مردم به جای یک تاریخ و تداوم انقلاب، تنها دست یافتن به ثواب می‌شود.»^{۳۵} بر اساس این دیدگاه، عزاداری در جهت نیل به ثواب صرف خواهد بود و یاد نهضت امام (ع) از کارکردهای دیگر، بازخواهد ماند.

در ذیل این آسیب، می‌توان به عامل دیگری اشاره کرد که می‌شود آن را از مصداق‌های تحریف معنایی دانست و آن تفکر عارفانه - صوفیانه موجود در غزل فارسی است. میراث فکری-هنری صوفیان، در اکثر بنیادهای فکری ما نوعی فضای عاشقانه را با معیار و ملاک‌های خاص خود پدید می‌آورد که بر همه عناصر تفکر در جامعه، تأثیر می‌گذارد.

از قرن هفتم به بعد تا روی کار آمدن صفویان، اکثر نویسندگان، تحت تأثیر تصوف و غزل فارسی بودند و نگرش صوفیانه به زندگی داشتند؛ از باب نمونه، کاشفی چنین می‌سراید:

فراز و شیب بیابان عشق دام بلاست کجاست شیردلی کز بلا نپرهیزد.
یا محتشم می‌گوید:

۳۴. رسول جعفریان، تأملی پیشین، ص ۲۲۲.

۳۵. ناصر مکارم شیرازی، اندیشه عاشورا، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ۱۳۷۴ ص ۱۲.

بر خوان غم چو عالمیان را صدا زدند اول صلابه سلسه انبیاء زدند
نوبت به اولیا چو رسید آسمان تپید زان ضربتی که بر سر شیر خدا
زدند.^{۳۶}

چنانکه پیش از این اشاره شد گستره زیبایی این نهضت، در الهامبخشی به دیدگاه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، عرفانی و صوفیانه، موثر است و می‌شود از زوایای گوناگون، بدان نگریست و درس‌ها و الگوهای متعدد از آن گرفت؛ اما مهم این است که نگرش خاصی، سبب غفلت از زوایای دیگر آن نگردد. با توجه به این نکته، نگرش صوفیانه - عارفانه، خواسته یا ناخواسته، در کمرنگی جنبه سیاسی و الهامبخشی نهضت‌ها و حرکت‌های سیاسی، اجتماعی تأثیر دارد. از این لحاظ است که می‌توان آن را در زمره آسیب‌ها، دسته‌بندی کرد.

این نکته نیز قابل یادآوری است که «ولایت»، در اصل، سرپرستی و زعامت سیاسی بود که بر پایه ویژگی‌های برتر علم و عمل و... تعریف می‌شد؛ اما به موازات ضعف سیاسی آن، در مرحله عمل، بار صوفیانه آن افزوده شد و به جای کاربرد در حوزه سیاست، در حوزه ماوراء طبیعی کاربرد یافت.^{۳۷}

در این زمینه، جایگاه سیاسی و اجتماعی ائمه (ع) و عدم تصاحب پست سیاسی از سوی آنان، جز از سوی (امام علی(ع)، امام حسن(ع) و امام رضا(ع)) در سیر و رشد تجردآمیز مفهوم ولایت، نقش داشته است.^{۳۸}

۳- دیدگاه بشری (سیاسی)

تشیع، از عصر صفوی به این سوی، سیاسی‌تر شد. این امر، معلول تماس نزدیک‌تر با سیاست بود. اندیشه شیعی با فراز و فرود در طول مسیرش، در دوره پس از قاجار در (۲۰) شهریور و اوج‌گیری احساسات مذهبی و نفوذ افکاری سیاسی شرق و غرب در ایران، مسیر متفاوت‌تری را پیمود و علما به تألیفات در این زمینه (اندیشه سیاسی) دست زدند و آثاری توسط آنان با رویکرد سیاسی -

۳۶. دیوان محتشم کاشانی، تصحیح و مقدمه اکبر بهداروند، نگاه، تهران، چاپ اول، بهار ۱۳۷۹، ص ۵۲۴.

۳۷. ر.ک: کامل مصطفی شیبی، پیشین، صص ۳۸۲-۳۸۹.

۳۸. رسول جعفریان، پیشین، ص ۲۴۱.



اسلامی عرضه گشت. با تحول مجدد دههٔ چهل و طرح دوباره داعیهٔ رهبری اسلام و ضمیمه شدن احساسات مذهبی و مبارزات سیاسی علیه حاکمیت ستمگر و شهادت مردم به دست آنان، زمینه برای بهره‌گیری از نهضت امام حسین (ع) فراهم شد. بدین‌سان، جامعه از رکودی که تا حدودی برخاسته از برداشت صوفیانه بود، نجات یافت و آثار متعددی چون: «ولایت فقیه» امام خمینی «راه حسین (ع)»^{۳۹} «القبای قیام امام حسین» (ع) «شهادت»^{۴۰} و «شهادت»^{۴۱} نگاهی از این زاویه بودند؛ به ویژه شهید جاوید در این زمینه نقش اساسی داشت.^{۴۲}

پیامد این نگاه، نظر به حادثهٔ کربلا به عنوان فاجعهٔ انسانی بود؛ نه رویداد تقلیدناپذیر. چنان‌که گذشت با توجه به شرایط پدید آمده در احیاء یا شکل‌گیری این برداشت، به ویژه با در نظر گرفتن حالت واکنشی آن به دیدگاه صوفیانه افراطی، باز هم آنچه آسیب شمرده می‌شود اصل این برداشت نیست؛ زیرا این برداشت، زمینهٔ تحلیل قیام و طبعاً اقتدا به آن را می‌تواند فراهم سازد و نمی‌شود سیاسی بودن این نهضت را منکر شد؛ ولی آنچه آسیب است، حالت افراطی این تحلیل است که بر اساس این دیدگاه، امام به انسان معمولی فاقد معلومات و ارتباط غیبی، تنزل می‌یابد و این نگرش روشنفکری غیرمتعهدانه است که ریشهٔ آن را می‌توان در تحلیل بعضی از متفکرین اهل سنت یافت.^{۴۳}

گرچه آقای صالحی نجف‌آبادی در کار محققانه و کم‌نظیرش به تحلیل قدمای شیعه مانند سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶ق) در تنزیه الأنبیاء و شیخ طوسی (۳۸۵م ۴۶۰ق) در تلخیص الشافی^{۴۴} و شیخ مفید (وفات ۴۱۳ق) در المسائل

۳۹. این کتاب نوشته شهید احمد رضایی از رهبران اولیه مجاهدین خلق ایران است.

۴۰. این اثر نوشته صالحی نجف‌آبادی است.

۴۱. این کتاب نوشته علی شریعتی است.

۴۲. رسول جعفریان، پیشین.

۴۳. قایدیان، اندیشه عاشورا، (کنگره بین المللی امام خمینی و عاشورا) ص ۴۸.

۴۴. شیخ طوسی، تلخیص الشافی، محبین، ج ۴، ص ۱۸۹ به بعد.

العبریه^{۴۵} استناد می‌کند^{۴۶}؛ اما به نظر می‌رسد جست‌وجوی عقلانیت بشری بدین‌گونه، گویای وضعیت روانی‌ای باشد که امروزه جوامع و اندیشمندان مسلمان در باب دشوارهٔ سنت و تجدد با آن رو به رو هستند؛ این وضعیت، بیش از هر چیزی برخاسته از آشفتگی و حیرتی است که بر سر دو راهی دنیای قدیم و جدید، ظهور یافته است و از سوی دیگر اتخاذ چنین رویکردی، باید در پیوند با شرایط سیاسی و اجتماعی آن روز ایران درک گردد.

هر متن بشری، بی‌تردید از چنین پیوندی پیراسته نیست. این به خودی خود کاستی نیست؛ اما به نظر می‌رسد در کار جناب آقای صالحی، نوعی فروکاستن حادثهٔ عاشورا به جنبهٔ سیاسی و تشکیل حکومت به چشم می‌خورد؛ در حالی که تشکیل حکومت، در تنافی با اهداف دیگر از جمله امر به معروف نیست؛ لذا وی خود، از وصیت‌نامهٔ معروف امام یاد می‌کند و از امر به معروف، به عنوان «اصلاح» سخن می‌گوید و به همهٔ اهداف دیگر امام، اشاره می‌کند؛ اما در نهایت، همهٔ اهداف، در تحلیل ایشان به تشکیل حکومت، تقلیل می‌یابد؛^{۴۷} در حالی که امر به معروف، محور سخنان امام در منی نیز به حساب می‌آید.^{۴۸}

افزون بر این‌که اصرار بر چنین ادعایی، بدون اثبات ضعف روایات تاریخی و احادیث وارد شده از سوی امام که به گونه‌ای علم او به حادثه یا شهادت به طور کلی را نشان می‌دهد، نمی‌تواند مورد پذیرش باشد؛ به خصوص که ایشان به دیدگاه سید مرتضی و شیخ طوسی (ره) استناد می‌کند و تحلیل وی درون دینی است و متکی بر مستندات حدیثی و روایی.

۴۵. شیخ مفید، المسائل العبریه، کنگره شیخ مفید، ص ۶۹ به بعد.

۴۶. «پس از آن چه در این کتاب آمده همانست که دو عالم بزرگ نامبرده گفته‌اند...» نعمت الله صالحی نجف‌آبادی، پیشین، ص ۴۲۸.

۴۷. رک: نعمت الله صالحی نجف‌آبادی، پیشین، ص ۲۸۷ به بعد.

۴۸. رک: تحف العقول، ص ۱۶۸؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۷۹، حدیث ۳۷.



نکته آخر این که ایشان بخش آخر کلام شیخ مفید را که با تحلیل ایشان نمی‌سازد، نقل نمی‌کند.^{۴۹}

۴- عدم توازن عاطفه و عقل

با توجه به این که رخداد عاشورا، حادثه فجیع و غم باری است که در آن شانزده تن از خاندان رسالت، اضافه بر یاران پاک‌باخته و مخلص امام حسین (ع) به گونه مظلومانه‌ای به شهادت رسیدند و خاندان عصمت، مصیبت جانکاه و طاقت‌سوزی را در طول اسارت و روز عاشورا از سر گذراندند، بدون شک این حادثه بار سنگین عاطفی را برجا نهاد که نه تنها دل‌های شیعیان از آن جریحه‌دار گردیدند، بلکه همه مسلمانان، از آن متأثر گشتند و ادبیات شیعی تحت تأثیر این رخداد و رخدادهای دیگر برای فرقه‌های گوناگون شیعه (زیدی، امامی و...)، بر مرثیه مبتنی شد.

ائمه (ع) با طرح برنامه سوگواری و حرکت از این نقطه برای احیای مدرسه عاشورا، عنصر بسیار بنیادی را در زنده نگه داشتن نهضت امام حسین، انگشت نهادند و می‌توان گفت بخش عاطفی این حادثه، در احیاء و گسترش آن، نقش بسیار اساسی داشته است. با این حال، تأکید بیش از حد بر این جنبه، توازن عقل و عاطفه را به سود عاطفه سنگین خواهد کرد^{۵۰} و ما را از هدف و فلسفه عزاداری، دور ساخته و عزاداری را که بیشتر حالت ابزاری دارد، به هدف مبدل می‌کند. بدین‌گونه عزاداری، خود، مانعی برای هدف نهایی خویش خواهد گشت. علامه فضل الله درباره رعایت این توازن، دیدگاه جالبی دارند؛ ایشان معتقدند، عاطفه، در عزاداری بر اساس این دلایل باید حفظ شود:

۴۹. ... و لو جاء فيه أثر لم يلزم ما ظنه المستضعفون إذ كان لا يمتنع أن يتعبده الله بالصبر على الشهادة... ر.ک: شیخ مفید، پیشین.

۵۰. نبود این توازن چالش‌های زیادی را برای اهل ایمان در عرصه‌های مختلف فکری و اجتماعی به بار می‌آورد. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: الخشن، حسین، الاسلام و العنف، قراءة في ظاهرة التكفير، بيروت، المركز الثقافي العربي، الطبعة الاولى، ۲۰۰۶، صص ۲۴۲-۲۴۵.

عاشورا ماهیتی اندوهناک دارد و کنار نهادن عاطفه، از دست دادن مهم‌ترین عنصر آن است.

شیوه عاطفی، یکی از انواع پرورش آگاهی است؛ آگاهی که قضیه عاشورا را به درون انسان برده و پیوند می‌زند؛ درست مثل این که عاشورا یکی از قضایای کنونی ماست.

نبودن عاطفه، (بسنده کردن بر جنبه فکری آن) عاشورا را به درگیری تاریخی مبدل می‌سازد و آن را در آثار و کتب تاریخی محدود خواهد کرد. اما به اعتقاد ایشان، عاطفه تنها کافی نیست و در کنار آن، باید عنصر «فکر» قرار گیرد؛ زیرا:

بخش فکری به هدف این انقلاب، که تغییر زندگی انسان به وسیله عناصر گوناگون موجود در آن است، گره خورده است. عاطفه، پیامد این انقلاب است و به عنوان ابزار احیای آن از سوی ائمه (ع) مطرح شده است.

عاطفه بریده از فکر، ویژگی اسلامی را از عاشورا می‌گیرد و آن را مسئله شخصی می‌سازد؛ نگاه انسان به حقایق را کور ساخته و با تبدیل کردن رابطه انسان با رهبران اسلامی به رابطه فردی، انسان را از تعامل جدی با محتوای عاشورا، به عرصه تخلیه دردهای شخصی مبدل می‌سازد.

بدون استفاده از شیوه‌های علمی و فکری، ممکن است مفاهیم عاشورا دچار انحراف گردد؛ به ویژه که عاطفه از طریق تثبیت مفاهیم در شعور انسان می‌تواند مفاهیم را به مضمون فکری مبدل سازد.

با فکر می‌شود خطوط کلی فکری، انقلابی و فقهی مرتبط به سیره حسینی را تعیین و از آن استفاده کرد و به برنامه‌ریزی دقیق مسائل اسلامی در آینده دور و نزدیک پرداخت.

بی‌توجهی به جنبه فکری، فرصت منبر حسینی برای دعوت اسلامی را از ما می‌گیرد.

عاطفه بدون فکر، ممکن است فاجعه شبیه عاشورا را به بار آورد. در این فاجعه، محبت به حسین(ع) بود؛ ولی محبت سطحی و نه بدان عمق که مصالح،



قربانی آن گردد. محبت باید با آگاهی و عقل و آمادگی برای تحمل سختی‌ها همراه باشد و ناظر به مضامین اسلامی باشد که خاستگاه عاشورا است. چنان‌که گذشت، به اعتقاد علامه فضل الله، عاطفه، مسئله‌ای مهم و دارای ابعاد انسانی، جوهره اسلامی و بسیار موثر، با دستاوردهای زیادی است. از سوی دیگر، عاطفه، به اندیشه، حرارت می‌بخشد و فکر را به ایمان درونی تبدیل می‌کند. با عاطفه، اندیشه، به قدرت، آزادی عمل، ثبات در جان و تداوم در واقعیت دست می‌یابد. اما تنها همراهی عاطفه و اندیشه است که عامل تحقق بخش مضامین عمیق رسالت در آگاهی و عمل انسان است. این هماهنگی و همراهی است که اندیشه را به ایمان، تبدیل می‌کند و با روی‌آوری عقل به قلب، این ایمان به حبّ و بغض تبدیل می‌گردد. از نظر علامه، نه تنها عقل ما، که قلب ما نیز، پرورش و تربیت می‌طلبند؛ و گرنه، ممکن است ما در عشق‌ورزی و دشمنی یا همان حبّ و بغض مان، راه خطا رویم. لذا ایشان تأکید می‌کنند، در احیای عاشورا، باید هدف با وسیله، پیوند خورد و محتوا در واقعیت تجسم یابد.^{۵۱}

عماد الدین باقی، جامعه‌شناس مسلمان ایرانی، آسیب عدم توازن عاطفه و عقل یا افراط در بخش عاطفی را از منظر جامعه‌شناسانه، بررسی کرده و معتقد است: ذهن انسان، از منطق دو ارزشی (تقابل‌های دوتایی) مانند گرم و سرد، عزا و جشن، دعا و عمل پیروی می‌کند که هر یک کارکرد خاصی دارد و غیر قابل جایگزین هم‌اند و جایگزینی، سبب مسخ هر یک می‌گردد: «در مراسم عاشورا بین عزاداری چهل‌روزه و شادی ولادت امام (ع) این توازن نیست و میلاد امام، در حدّ درج در تقویم است و این امر سبب شده است با سالروز تولد بقیه ائمه (ع) نیز معامله عزا شود. پیامد عدم رعایت این حدود، این است که مراسم بی‌آلایش

۵۱. محمدحسین فضل الله، نگاهی اسلامی به عاشورا، ترجمه محمدجمعه امینی، دفتر آیه الله فضل الله،

عاشورا، به تغییر تدریجی به سمت‌های انحرافی که نیاز به تفریح و تفنّن را ارضا کند، پیش رود.»^{۵۲}

وی معتقد است: زیاده‌روی در آیین عزا و سوگواری، فرهنگ ملت ایران را به فرهنگ عزا و گریه مبدّل ساخته؛ به نحوی که شادی ناشی از ولادت ائمه (ع) با اندوه برخاسته از شهادت آنان مساوی نیست. به باور وی، تغلیظ چنین فرهنگ و ایجاد روحیه عزا و گریه و مرگ، شور زیستن را از جامعه بازمی‌ستاند و جامعه، از جوشش زندگی، ابتکار و پیشرفت بازمی‌ایستد. از این منظر، در مرگ‌باوری و زندگی‌باوری نیز باید تعادل حفظ گردد. تنها با رعایت حدود کارکردهای عناصر مذهبی است که می‌توان به پالایش فرهنگی دست زد و شور زیستن را به نیروی تعیین‌کننده رفتار آدمی مبدّل ساخت. او تأکید می‌کند که شهادت قهرمانان عاشورا نیز برای دفع ناهنجاری‌ها و مظالم و ایجاد شرایط بهتر زیستن و خداگونه شدن است.^{۵۳}

این را هم باید افزود که عدم توازن عاطفه و عقل در عزاداری، پیامدهایی چون دروغ و تحریفات گوناگون را نیز همراه خواهد داشت؛ زیرا وقتی هدف، تأکید روی این بُعد است و گریستن و گریاندن، اساس کار می‌شود و روضه‌خواندن و مدّاحی، تبدیل به هنر می‌شود، روضه‌خوان، باید از هر وسیله‌ای برای گریاندن، بهره گیرد و این آسیب بزرگی است. درست است که گفتار و سیره ائمه (ع) در برپایی عزاداری و سوگواری، نقش بنیادی داشته است؛ اما مسلم است که نه به هر قیمتی و نه به گونه‌ای که فلسفه عزاداری، نادیده انگاشته شود و هنرمند، با

۵۲. عمادالدین باقی، جامعه‌شناسی قیام امام حسین (ع) و مردم کوفه، نشر نی، ص ۱۱۵ به بعد. این نکته قابل توجهی است که امروزه مداحان، هم در سبک نوحه‌ها، گاهی از خوانندگان آوازهای مبتذل تقلید می‌کنند و هم در به کار بردن تعابیر دور از شأن ائمه (ع) و نوع پوششی که برمی‌گزینند. (مانند لخت کردن بدن و...)، آن را بروز می‌دهند که بدون شک آسیب جدی برای این مراسم با عظمت، به شمار می‌آید.



جعل رخدادهای تاریخی، نادیده گرفتن اهداف و ارزش‌های اسلامی و شیعی و چشم‌پوشی از پیام‌های اصلی عاشورا، تنور حادثه را داغ سازد.

۵- محدودسازی و کوچک کردن عاشورا

کوچک کردن یا فروکاستن انقلاب بزرگ عاشورا، آسیب دیگری است که در عزاداری حادثه عاشورا به چشم می‌خورد. این کوچک‌سازی و فروکاهش، گاه در سطح مذهب شیعه است و گاه در سطح خانواده و قبیله. در بخش نخست باید یادآور شد، نهضت عاشورا به گفته علامه فضل الله، جنگ شیعه، علیه سنی نیست؛ زیرا اولاً بر اساس آیه «تلك امة قد خلت لها ما كسبت و لكم ما كسبتم»^{۵۴}، دیروزی‌ها، مسئول عملکرد خود و ما مسئول عملکرد خودمان هستیم و نمی‌توان موارد منفی در تاریخ را، به شیعه یا سنی‌های امروز منسوب ساخت. دوم این‌که یزید، نماینده هیچ‌یک از ارزش‌های اسلامی اهل سنت نیست که انکار آن در یزید، به انکار این ارزش‌ها بینجامد. از طرف دیگر، اساساً خاستگاه حرکت امام حسین (ع) عناوین اسلامی است: اصلاح امت رسول الله (ص)، امر به معروف و نهی از منکر بر اساس اصل «و لتكن منكم امة يدعون الى الخير يامرون بالمعروف وينهون عن المنكر»^{۵۵} (با عنایت به مراتب موجود در اجرای آن) و رد تبعیت یزید (اسلام و ویژگی‌های خلیفه را روشن ساخته است و رد تبعیت یزید بر این اساس است؛ ایها الناس من رأى سلطاناً جائراً مستحلاً لحرام الله ...^{۵۶}، اقامة عدالت

۵۴. (آن گروه را بی‌گمان روزگاران سپری شد؛ تنها برای ایشان است آنچه که به دست آوردند و تنها برای شماست آنچه به دست آوردید). بقره آیه ۱۴۱، ترجمه محمد صادقی تهرانی.

۵۵. و باید از میان شما، گروهی (مردمان را) سوی نیکی دعوت کنند و به کار معروف {=شایسته} و دارند، و از منکر {=ناشایسته} بازدارند. قران کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

۵۶. (ای مردم! رسول خدا (ص) فرمود: هر یک از شما که سلطان ستمگری را ببند که حرام خدا را حلال کرده، عهد او را نقض نموده، با سنت پیامبر خدا دشمنی ورزیده و در میان بندگان خدا با گناه و ستمگری عمل کند ... و سپس با گفتار و رفتار در جهت تغییر دادن آن کاری انجام ندهد، خداوند این حق را دارد که او را وارد همان جایی کند که آن ستمگر را وارد کرده است). ابی جعفر محمد بن جریر الطبری، تاریخ الطبری تاریخ الامم و الملوک، دار و مکتبه الهلال، بیروت، الطبعة الاولى، ج ۳ ص ۱۰۳۲.

«لقد أرسلنا رسلنا بالبينات و أنزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط»^{۵۷} است. تلاش برای تغییر اجتماعی در جهت طاعت خدا: «آگاه باشید این قوم به طاعت شیطان ملزم شدند و طاعت پروردگار را رها کردند و... من شایسته‌ترین فرد برای تغییر این وضعیتیم»^{۵۸} و... اهداف انسانی و اسلامی‌اند که امام حسین(ع) برای حرکتش برمی‌شمارد.^{۵۹}

با تکیه بر این خاستگاه‌های مشترک و توضیح آن، می‌توان در قدم اول، از این آسیب دوری کرد و از سوی دیگر از تفرقه‌های ویرانگر امت اسلامی جلوگیری نمود و در این روزگار سخت امت اسلامی، به یاری آن شتافت.

دکتر عبدالکریم سروش، نیز، روی خاستگاه‌های عام اسلامی و انسانی تأکید می‌کند؛ تا بدین‌گونه عاشورا، طیف وسیع‌تری را مخاطب قرار دهد. او معتقد است امام، به عنوان یک انسان مسلمان، در آن شرایط تلخ و تیره تاریخی، به وظیفه‌اش عمل کرده است و تأکید بر این جنبه، بسیار مهم است.^{۶۰}

قابلیت انسانی و اسلامی نهضت عاشورا که از اهداف و شعارهای این نهضت به خوبی پیداست و اندیشمندانی چون شهید مطهری، پیش از این به آن توجه کرده‌اند، موجب تأثیرگذاری فرادینی این نهضت گشته و امروزه، باعث آفرینش ادبیات گسترده‌ای در خارج از محدوده مذهب شیعه و دین اسلام گردیده است.^{۶۱} بنابراین، کوچک کردن نهضت امام حسین(ع) در حد مذهب خاصی، هم آسیب است و هم دور از انصاف و وجدان علمی؛ چه رسد به اینکه این نهضت عظیم را،

۵۷. (ما) پیامبران را به راستی و درستی با (همه) دلایل آشکار فرستادیم و با آن‌ها کتاب و میزان فرود آوردیم تا مردم به انصاف (عادلانه و فاضلانه) برخیزند. سوره حدید، آیه ۲۵.

۵۸. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، باب ۳۷، ص ۷.

۵۹. برای اطلاع بیشتر، رک: مهدی مهریزی، ماهیت انسانی قیام امام حسین(ع)، صحیفه خرد، قم، چاپ اول، ۱۳۹۰.

۶۰. عبدالکریم سروش، در: اندیشه عاشورا، پیشین، صص ۹۷-۹۸.

۶۱. در مقدمه بحث به نمونه‌هایی در این زمینه اشاره کردیم.



رنگ خانوادگی یا قبیله‌ای دهیم؛ اتفاقی که سوگمندانہ رخ داده است. به عنوان نمونه، در اشعار ابوالمعالء معری می‌خوانیم:

«عبد الشمس قد اضمرت لبني هاشم حربا ليشيب فيها الوليد
فابن حرب للمصطفى و ابن هند لعلی و للحسين يزيد»^{۶۲}

این سخن، رخداده انسانی و اسلامی عاشورا را به نزاع خانوادگی بنی‌هاشم و بنی‌امیه، فرو می‌کاهد. بالاتر از این، دیروز و امروز، کسانی بوده و هستند که اصل دین را نیز به بازی سیاسی و خانوادگی، فروکاسته و می‌کاهند. ابوسفیان و یزید، هردو آشکارا این سخن را مطرح کرده بودند.^{۶۳}

با عنایت به این آسیب است که علامه فضل‌الله تأکید می‌کند، ارتباط و علاقه ما به اهل‌بیت (ع) به خاطر هاشمی بودن آن‌ها نیست؛ بلکه از رسالت‌مداری آنان ناشی می‌شود؛ و هاشمی بودن، بدون التزام دینی، تقدسی برای ما ندارد.^{۶۴}

بسیار قابل تأمل است که گردانندگان نهضت عاشورا، همواره و در هر شرایط، بر مبانی اسلامی عاشورا نظر داشته‌اند. این نکته، از خلال بررسی نصوص تاریخی، به خوبی پیداست. زینب(س) در سخت‌ترین شرایط عاطفی و هنگام دیدار پیکر نازنین برادر، سوگواری‌اش، بیدارگری است و در خطابش به لشکریان یزید - که با بشارت به بهشت این جنگ را شروع کرده بودند - برخط اصیل اسلامی و اصول مشترک اسلامی تأکید داشته: «وامحمداه صلی علیک ملائکة السماء هذا حسین با لعراء ... یا اصحاب محمد هؤلاء ذریة المصطفى یساقون السبایا ... بابی من جده رسول الله بابی من هو سبط نبی الهدی بابی محمد المصطفی بابی علی المرتضی بابی خدیجة الکبری بابی فاطمة الزهرا سیده

۶۲. (عبدالشمس آتشی جنگی را برای بنی‌هاشم برافروخت که کودکان در آن پیر می‌شوند؛ پس ابن حرب برای مصطفی(ص)، ابن هند برای علی (ع) و یزید برای حسین (ع) همین کار را کرد) نگاهی اسلامی به عاشورا، ص ۵۵.

۶۳. ابوالحسن علی ابن‌الحسین بن علی المسعودی، مروج الذهب، ج ۱، بیروت، بی تا ص ۳۱۰؛ ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی، وقعة الطف - قم، چاپ سوم، ۱۴۱۷هـ، ص ۱۰۷.

۶۴. محمد حسین فضل‌الله، نگاهی اسلامی به عاشورا، پیشین.

النساء»^{۶۵} تا بدین‌گونه، هم عظمت حسین (ع) و خط او را معرفی کند و هم میزان انحراف دشمن را بازگوید. این نقطه شروع مبارزه او، برای ضد حمله تبلیغاتی و پیش‌گیری از تحریف ندانسته دوستان و تحریفات هدمند دشمنان است و بهترین شیوه از سوی آن بزرگوار در راستای معرفی خاستگاه این نهضت و جلوگیری از آسیب‌های بعدی است.

یکی از آسیب‌های دیگر از این دست، تأکید بیش از اندازه بر روابط خانوادگی، در توصیف نهضت عاشورا است؛ به عنوان نمونه، گاه تمامی تلاش‌ها و فضیلت‌های پرچمدار امام حسین(ع) را به نسبت برادرانه و وفای برادر به برادر نسبت می‌دهند؛ در حالی‌که این فضیلت‌ها، به خصوص وفا، با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و دینی، بهتر قابل درک و تبیین است. نگاه به ابعاد جامع شخصیت پرچمدار عاشورا، به خوبی خطای این تقلیل را نشان می‌دهد. تنها از خلال تأمل در باب رجز و شعر معروف حضرت ابوالفضل در عرصه نبرد، می‌توان به خوبی دریافت که تلاش و ایثار او در قدم نخست، مکتبی است: "...والله إن قطعتموا یمینی انی احامی ابدأ عن دینی"^{۶۶} «سوگند به خدای بزرگ و ارجمند و سوگند راستین به حجون و زمزم، سوگند به خدای صاحب حطیم و آستانه مقدس در [کعبه] امروز در حضور مرد با فضیلت و با کرامت، یعنی حسین(ع) که دارای افتخارات دیرین است، پیکرم به خون رنگین خواهد شد».^{۶۷} «آن گاه که پرنده مرگ صدا کند، هراسی از مرگ ندارم تا آن که در دریایی از مردان چابک و شتابنده فرو

۶۵. (ای محمد! که پیوسته هدیه‌ها و تحفه با درود نامحدود فرشتگان آسمان تقدیم سده) [؟] جلالت می‌گردد، اینک این حسین توست که به خون خود آغشته شده ... کجایی ای اصحاب محمد(ص)؟ اینک این بی‌کسان، ذریه مصطفی را به اسیری می‌برند ... علی، ابن طاووس، لهوف، ترجمه محمد طاهر دزفولی، انتشارات انصاری، قم، چاپ اول، بهار ۱۳۷۸، صص ۲۴۵-۲۴۷.

۶۶. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم، ۱۹۹۱-۱۴۱۲ه، ج ۴، ص ۱۱۷؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۴۰-۴۱.

۶۷. تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهدا، مهدی پیشوایی و دیگران، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، زمستان ۱۳۹۲، صص ۸۴۰-۸۴۱ به نقل از ابن اثم، کتاب الفتوح، ج ۵، ص ۱۱۴؛ خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۲، ص ۳۰.



روم و ناپدید شوم. جان من فدای [حسین] برگزیده پاک باد! من عباس هستم و هر بامداد، کارم سقایی است. آن روز که با شر روبه‌رو کردم، از آن نمی‌هراسم.» «به خدا سوگند، اگر دست راست مرا قطع کردید، من پیوسته از دین خود و از امام راست‌گوی دارای یقین که نوه پیامبر پاک و امین است، دفاع می‌کنم.»^{۶۸} چنان‌که می‌بینیم، این شعر، از یک‌سو، گوشه‌ای از وفا و ایثار و شجاعت پرچمدار عاشورا و از سوی دیگر خاستگاه دینی رفتار و جهاد او را نشان می‌دهد.

۶- شهادت برای شفاعت گناهان امت یا شیعیان

از اندیشه‌های وارداتی از الهیات مسیحیت به حوزه عزاداری امام حسین (ع)، شهادت برای شفاعت گناهان امت است. در مسیحیت، بر اساس این اعتقاد که گناه، ذاتی انسان‌هاست؛^{۶۹} به صلیب رفتن عیسی (ع) کفاره گناهان آدمیان به حساب می‌آید.^{۷۰} این اندیشه ناصواب، متأسفانه در عزاداری امام حسین (ع) به ویژه در تعزیه‌خوانی، رسوخ یافته است؛ به عنوان نمونه:

رضا شدم به شهادت، خدای بی‌همتا از این جهت که ببخشی گناه امت را
به خون‌بها تو کلید شفاعتم دادی بده به امت جدم برات آزادی.
یا این نمونه:

خواهر رضا شدم به چنین ظلم بی‌کران تا بگذرد خدا زگناهان شیعیان.
معنای این سخن این است که: «گناهکاران، آن قدر عزیزند که عزیزترین انسان‌های امت، باید فدای آن‌ها گردند.»^{۷۱} باید به یادداشت که نقد چنین دیدگاهی به معنای انکار عظمت و مقام معنوی و شفاعت حضرت نیست.

۶۸. تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهدا، مهدی پیشوایی و دیگران، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی، زمستان ۱۳۹۳، صص ۸۴۰-۸۴۱

۶۹. ر.ک: سفر پیدایش، ۲: ۱۶ و ۱۷؛ ۳: ۱۴-۱۹.

۷۰. احمدرضا مفتاح- محسن ربانی، مقایسه مفهوم فدیة از نظر مسیحیت و شفاعت از نظر شیعه، مجله

الهیات تطبیقی، سال پنجم، شماره دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۴۳-۱۴۴.

۷۱. هاشمی نژاد، درسی که حسین برای انسان‌ها آموخت. ص ۳۹۳-۳۹۴.

این تحلیل از معنای شفاعت، همراه با تعزیه که - اساساً ریشهٔ فرنگی دارد - در عزاداری امام حسین (ع) رسوخ یافت.^{۷۲} مهدی فروغ در این باره می‌گوید: «اینها (مجالس تعزیه) در واقع همان راه و رسمی بود که در اروپای قرون وسطا معمول بود؛ یعنی نمایشنامه‌های مذهبی «میراکیل» و «و میسترها»؛ ایرانیان هم بدون این‌که قصد فتوکپی کردن را داشته باشند، همین راه و رسم را دنبال کردند.»^{۷۳}

مرحوم عبدالحسین زرین‌کوب نیز تعزیه در ایران را از نفوذ و تأثیر نمایشنامه‌های فرنگی ناشی می‌داند.^{۷۴}

آنچه در ترویج تعزیه باید مورد توجه قرار گیرد، تفکر «شفاعت» و تحلیل ناصواب از آن در این شیوهٔ عزاداری است که آسیب بسیار جدی به حساب می‌آید و مکتب عاشورا را به مکتب گناهکارسازی تبدیل می‌کند.

به راستی چگونه می‌شود بایدها و نبایدهای دینی و شیعی را به آسانی کنار نهاد و به شفاعت امام، دل سپرد؟! امامی که به خاطر نماز، جنگ را قطع می‌کند،^{۷۵} آیا راضی می‌شود به جای نماز و در وقت آن، برای او عزاداری کنند و بدون هیچ‌گونه شباهت و سنخیتی در رفتار و گفتار، به شفاعت او دل بسپارند؟ شفاعت، با این تلقی نادرست، دیگر بایدها و نبایدهای دینی و شیعی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. این در حالی است که معیار شیعه بودن، از سوی پیشوایان ما به خوبی روشن گردیده است؛ ائمه (ع) تأکیدشان بر ارزش‌های اسلامی و شیعی و عمل به آنها است؛ و آنان خود تجسم زندهٔ اسلام‌اند و محبت به آنان، محبت

۷۲. برای اطلاع بیشتر، رک: حسن بشیر، تعزیه، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ص چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۸۲ به بعد.

۷۳. غلامرضا گلی زواره قمشه‌ای، تأملی در باب تعزیه، مجله نور، علم شماره ۴۶، مرداد و شهریور ۱۳۷۱، به نقل از مهدی، فروغ، ارزیابی تعزیه، ص ۸۷.

۷۴. غلامرضا گلی زواره قمشه‌ای، پیشین؛ برای اطلاع بیشتر، رک: عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، انتشارات زوار، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۴ ش. صص ۲۸۸-۲۹۸.

۷۵. ابن طاووس، لهوف، پیشین، ص ۲۰۴.



به اسلام و تعالیم آن است. امام سجاد(ع) فرمود: «أحبونا حب الإسلام»^{۷۶} اما با نگاه فوق، دیگر عاشورا مکتب انسان‌ساز، زندگی آفرین، تحول‌بخش و دین‌گستر نخواهد بود.

۷- جبرگرایی و دهرگرایی

اندیشهٔ جبرگرایی، به اعتقاد بعضی نویسندگان، از ابتکارات معاویه ابن ابی سفیان است و حداقل این مقدار مسلم است که بنی‌امیه، مروّج آن بوده‌اند. ابن ابی الحدید می‌گوید: «معاویه، آشکارا به جبر و ارجاء تظاهر می‌کرد؛ لذا درباره بیعت یزید می‌گفت: همانا خلافت یزید، از مقدّرات الهی است و مردم را در تقدیرات الهی، اختیاری نیست»^{۷۷}.

بر اساس این عقیده، تلاش در برابر دشواری‌ها، یا سعی در جهت تقویت شخصیت و پرورش فضیلت‌های اخلاقی، بی‌معنی است. نفی اراده، سلب مسئولیت اجتماعی، پذیرش ظلم از سوی مظلومین، با توجیه محرومیت از مواهب الهی و رفتن جامعه به سوی رکود و جمود، از آثار این طرز تفکر است. متأسفانه این اندیشه، با تدبیر و طرّاحی دشمنان زیرک و عدم تأمل مداحان و روضه‌خوانان، به ساحت عزاداری امام حسین (ع) رسوخ یافته است. به عنوان نمونه:

«خواهر مرا ز روز ازل این مقدر است/غمگین مشو که یار تو خلاق
داوراست». یا از زبان شمر به حضرت زینب(س):

«فغان و نالهٔ تو ای حزین ندارد سود /رقم به نام تو روز ازل اسیری بود».
این در حالی است که گسترش این تفکر در جوامع اهل سنت و ابنای مکتب اشعری بر آن، زمینهٔ جنایت یزید را فراهم ساخت؛ لذا عمر سعد، شهادت امام را،

۷۶ مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد - کنکرهٔ شیخ مفید، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.ج. ۲، ص ۱۴۱.

۷۷. دینوری، قتیبه، الامامة والسیاسة، ج ۱ ص ۱۸۵؛ برای اطلاع بیشتر، ر.ک: قاضی عبدالجبار، المغنی فی أبواب التوحید و العدل، الدار المصریة، کتاب المخلوق، ص ۴؛ جعفر سبحانی بحوث فی الملل و النحل، مؤسسه النشر الإسلامی - مؤسسه الإمام الصادق ع، قم، ص ۲۴۰؛ حسین المصطفی، پیشین، ص ۵۶.

تقدیر الهی می‌داند و ابن زیاد در گفت‌وگو با حضرت زینب(س) و علی ابن الحسین(ع)، پیوسته از این اصل سخن به میان می‌آورد: «الحمد لله الذی فضحکم و اکذب أحدوئکم!»^{۷۸}... «کیف رأیت صنع الله باخیک و اهل بیتک».^{۷۹} یا درباره علی ابن الحسین (ع) می‌گوید: «ألیس قد قتل الله علیاً بن الحسین؟!». ^{۸۰}

باید به یادداشت که این اندیشه، منافی با آموزه‌های اسلامی است و بخش مهمی از روشنگری‌های امام سجاد(ع) و زینب(س) در دوران اسارت، مبارزه با این نیرنگ سیاسی بود.^{۸۱}

به موازات اندیشه جبرگرایی، شکایت از روزگار از زبان اهل بیت (ع) نقل شده است که سخن دهری‌هاست که رخداد حوادث را به روزگار نسبت می‌دهند. معارف اسلامی این دشنام را به شدت نهی کرده است. به عنوان نمونه این شعر که گویا زبان حال امام سجاد است:

«ای فلک آخر تو دادی گلشن دین را به باد
شاد از ناشادی ما، ساختی ابن زیاد
ای سپهر بی‌مروت، از جفاهای تو داد
شیوه ات جور است و کینه و عناد»

این دو دیدگاه، اضافه بر سلب مسئولیت از انسان و تشویق او به ستم‌پذیری و بی‌مسئولیتی، برای روزگار و زمانه، نوعی قلمرو و قدرت و حوزه استقلال در کنار خدای متعال، لحاظ می‌کند که تقابل آن، با باورهای اسلامی و شیعی آشکار است.

۸- غلو و افسانه‌سازی

غالیان، در غیرسیاسی کردن مفهوم امامت و حادثه کربلا با نسبت دادن نگرش‌های لاهوتی به امامان، به تجرید مفهوم امامت از سیاست و واقع، تأثیر به

۷۸. (حمد خدا را که شما را رسوا نمود و دروغ شما را ظاهر ساخت ...)

۷۹. (دیدی خدا با برادرت و اهل بیت تو چه کرد!)

۸۰. (مگر خدا علی ابن الحسین را نکشت؟) ابن طاووس، لهوف، صص ۲۹۲-۲۹۴.

۸۱. ر.ک: ابن طاووس، لهوف، پیشین.



سزایی داشتند و آنچه از آنان، در این زمینه نقل شده است، نشان‌دهنده این امر است. رسول جعفریان در این باره می‌گوید: «درگیری شیعیان معتدل با آنان، دور محور الوهیت‌گرایی صرف نمی‌چرخد؛ بلکه در حوزه‌های دیگر نیز کشانده می‌شود؛ تصنیف آثاری چون «بصائر»، از سوی برخی عالمان حدیث، دلیل بر این ادعاست. اعطای ویژگی‌های نیوتی و بالاتر از آن، به امام، بدین معنا بود که اگر امام در حوزه سیاست اجرایی، امامتش مشهود نیست، در عالم بالا، این امامت، از هر چیز محکم‌تر و دامن‌هش وسیع‌تر است».^{۸۲}

چنان‌که جعفریان به حق تأکید می‌کند، عنوان‌های موجود در بصائر، نشانگر حوزه ولایت در فضای مجرد به گونه‌ای بسیار بیشتر از حوزه ولایت در فضای سیاست است.^{۸۳}

غالیان، با این نگرش، باید بُعد سیاسی قیام امام را که در ظاهر شکست بود، به گونه‌ای دیگر، تحلیل می‌کردند و قضیه‌ای مانند قضیه عیسی - آن‌گونه که قرآن می‌فرماید - برای آنان قابل قبول‌تر بود؛ تا شکستی برای ولی خدا نباشد. لذا قتل بن حنظله بن اسعد شامی را به صورت اشتباه، به جای امام حسین (ع) مطرح کردند و به آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^{۸۴}، استناد کردند.

اما ائمه (ع) از جمله امام رضا (ع) و امام مهدی (ع) به شدت آنان را سرزنش و تکذیب فرمودند.^{۸۵} با توجه به آنچه گذشت این آسیب، از آسیب‌های خطرناک است و می‌تواند مراتبی داشته باشد که گاهی از دید ما پنهان می‌مانند. از سویی با

۸۲. رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، صص ۲۳۰-۲۲۹.

۸۳. رک: محمد ابن الحسن الصفار القمی، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴هـ، ص ۵۴۴-۵۴۵؛ جعفریان، رسول، تأملی در نهضت عاشورا، انتشارات انصاریان قم، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۲۲۸.

۸۴. (و خدا هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای [سود] کافران راهی راهوار قرار نداده است.) سوره نساء، آیه ۱۴۴.

۸۵. برای اطلاع بیشتر، رک: رسول جعفریان، پیشین.

توجه به ظرافت مورد نیاز در تمیز آن، دقت زیاد متصدیان عزاداری امام حسین (ع) را می‌طلبد.

در ادامه این آسیب، می‌توان به آسیب اسطوره‌سازی و افسانه‌پردازی، اشاره کرد که ریشه در حس اسطوره‌سازی بشر دارد و به گفته مرحوم شریعتی، این امر، در تحریفات، نقش اساسی دارد و می‌تواند علاوه بر دروغ‌پردازی‌ها، به یک‌سونگری و یک‌جانبه‌نگریستن به زندگی پیشوایان منجر گردد که خود آفت بزرگی است؛ زیرا مردم عادی و عوام ما، بر اساس احساساتشان، معیارهای خاصی را برای قهرمانی و پهلوانی تعریف می‌کنند و با این بخش از زندگانی پیشوایان، بیشتر انس می‌گیرند. شهید مطهری، در این زمینه می‌گوید: «یهودیان که قهرمانان تحریف در تاریخ بوده‌اند، همیشه از این طریق، به ما ضربه زده‌اند؛ ارائه چهره‌ای از علی که سبیل تا بناگوش است و پهلوان مهیب است؛ این ذهنیت را بار می‌آورد که نمی‌شود این همان علی زهد و تقوی و خداپرستی باشد».^{۸۶}

ما، برخورد مشابهی را با قهرمانان عاشورا داریم و آثار این امر، در نقل‌های تاریخی و روضه‌ها و حتی نقاشی‌ها به چشم می‌خورد؛ به عنوان نمونه از حضرت عباس (ع)، فقط پهلوانی را درک می‌کنیم و حتی به چهره‌نگاری‌هایی احياناً سبک و بی‌ارزش از آن حضرت دست می‌زنیم؛ در حالی‌که ویژگی‌های ممتاز انسانی و اسلامی دیگر آن بزرگوار، همپای شجاعت و پهلوانی او می‌درخشد؛ بینش و بصیرت دینی کم‌نظیر، پارسایی و بندگی، هوشمندی و جوانمردی، وفا و مهربانی، فضیلت‌هایی است که ائمه (ع) در وصف آن بزرگوار بیان داشته‌اند.^{۸۷}

آسیب‌های صوری

چنان‌که در اول این نوشته اشاره کردیم، به خاطر تأثیرگذاری متقابل «نمود» و «بود» و شعار و جوهره، خط تمایز کشیدن بین این دو نوع آسیب، دشوار

۸۶. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، جلد سوم، چاپ پنجم، سال ۱۳۶۶، انتشارات صدرا، ص ۲۹۰.
۸۷. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، تحقیق و تصحیح، محمد حسین حسینی جلالی، قم، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۱۹۲؛ جعفر ابن محمد، قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۵۷.



است. غالباً این محتوا است که اثرگذار است و آسیب محتوایی، صورت را نیز متأثر می‌سازد؛ اما از سویی، شکل‌های خاصی از مراسم عزاداری، مثلاً تعزیه، فکر و اندیشه خاصی را نیز به همراه دارد. چنان‌که اشاره کردیم، تعزیه، شفاعت را به معنای خاص و انحرافی آن^{۸۸} به حوزه عزاداری امام حسین (ع) وارد ساخته است. در این بخش، به دو امر خطرناک دیگر، یعنی ۱- نبود منابع قوی و پالایش شده تاریخی و ۲- نبود نظارت و تدقیق روی شیوه‌های عزاداری، اشاره می‌شود. از قرن ششم به بعد، تحت تأثیر بی‌دقتی رایج در عرصه همه علوم اسلامی، نوشته‌های تاریخی سست گردیده و حالت داستانی و قصه‌گونه به خود گرفت؛ نبود منابع تاریخی کهن از سویی و طرح مشایخ صوفیه به عنوان چهره‌های اسطوره‌ای از جانب دیگر، مسیر تاریخ‌نگاری را عوض کرد. بدین‌گونه از قرن هفتم، تحریفات تاریخی، به مرور آغاز گردید. نقد تاریخی در آن دوره، جایی نداشت. از معدود آثار آن دوره (به خاطر محدودیت جامعه شیعی) زمینه پذیرش تحریف، در جامعه به خوبی پیداست؛ تألیف شدن اثر کاشفی (ملاحسین کاشفی نویسنده روضه الشهداء) و تلقی به قبول کردن آن از سوی جامعه شیعی، به خصوص در دوره صفویه، نشان‌دهنده این امر است.^{۸۹} این اثر، در درازای قریب به چهار تا پنج قرن در فرهنگ مناطق شرقی ایران، تأثیرگذار بوده و در میان شیعیان و سنیان متمایل به اهل‌بیت، رواج داشته است و حتی هنوز در بعضی مناطق جنوب ایران، از این کتاب استفاده می‌شود. این اثر، به چندین زبان ترجمه شده است و جالب‌تر این که عنوان «روضه» از عنوان این اثر گرفته شده است.^{۹۰}

۸۸. تأکید بر معنای انحرافی شفاعت، به این معناست که اصل شفاعت در آموزه‌های اصیل اسلامی پذیرفته است: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا». سوره نساء، آیه ۶۴: «وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ». سوره سبأ، آیه ۲۳.

۸۹. برای اطلاع بیشتر، رک: جبار رحمانی، تغییرات مناسک عزاداری محرم، تیسرا، تهران، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۳، ص ۱۰۳.

۹۰. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، جلد سوم، چاپ پنجم، سال ۱۳۶۶، ص ۹۵.

نمونه‌های بسیاری از نقل‌های نادرست تاریخی را در مقتل‌خوانی‌ها و حوادث تاریخی نهضت عاشورا می‌توان نشان داد که گاه، عامدانه و گاه از روی کوتاهی و کم‌توجهی و بدون نقد علمی و سنجش با معیارهای اسلامی و ارزش‌های شیعی، مسلم به حساب آمده‌اند.^{۹۱}

آنچه گفته شد، نشان‌دهنده کاستی و کمبود جدی در این زمینه است که کار نقّادی علمی و تاریخی را می‌طلبد. البته این سخن به معنای دست بردن درست و نادرست به هر بخش از این حوادث نیست؛ تا به ایجاد حساسیت و تزلزل در میان مردم بینجامد؛ بلکه، مقصود، بررسی نقل‌ها و گزارش‌های تأثیرگذار بر اهداف و ارزش‌ها و محتوای حادثه عاشورا است.

در ادامه آسیب فوق، می‌توان به دو نکته دیگر اشاره کرد:

الف: آنچه در میزان تحریفات و نقل‌ها از سوی روضه‌خوانان و مداحان مؤثر بوده است، اصل دانستن اقامه عزا بدون توجه به فلسفه عزاداری و تبدیل شدن روضه به هنر است. وقتی روضه، وسیله کسب درآمد گردید و گریاندن، هدف شد، بر اساس اصل «هدف وسیله را توجیه می‌کند»، هر کاری برای گریاندن، جایز می‌شود و جعل، مشروع می‌گردد.

بعضی نویسندگان، زبان حال را چون در زمره شعر و ادب است، بیرون از مقتل‌خوانی می‌دانند و لذا انتظار نقل وقایع را از آن، نابجا ارزیابی می‌کنند و آن را از دایره دروغ بیرون می‌بینند؛ اما این نکته را باید به یادداشت که بسیاری زبان حال‌ها، به هیچ وجه، با مقام و عظمت امام و شعارهای مطرح شده از سوی او نمی‌سازد؛ هرچند دروغ هم نباشد؛ درحالی‌که می‌توان با استفاده از زبان هنر، به ویژه شعر، عاطفه و حماسه و پیام عاشورا را به خوبی منعکس کرد. گرچه در این زمینه در گذشته و حال گام‌هایی برداشته شده است؛^{۹۲} اما در عین حال،

۹۱. ر.ک: کامران ایزدی مبارکه، روش‌های شناخت آسیب‌ها و خرافات در گزارش‌های نهضت عاشورا، در: آسیب‌شناسی (مجموعه مقالات عاشورا پژوهی)، ج ۲، ص ۷۱.

۹۲. آثار این مجموعه از شاعران و مرثیه‌سرایان را می‌توان در زمره اشعار هنرمندانه و در عین حال مناسب از نظر محتوا و پیام، ارزیابی کرد:



بخش زیادی از زبان حال‌ها و اشعار مورد استفاده ما، گویای ارزش‌ها و اهداف و درس‌های مکتب عاشورا نیست. تردیدی نیست که این امر، مانند تدوین مقتل مؤتقن، کار حساب شده‌ای را می‌طلبد.

ب: نکته دوم تعابیر و اصطلاحات ناسازگار با مقام و عظمت ائمه (ع) است که گاهی به جای تأکید روی ارزش‌های انسانی و دینی، از تعابیر مبتذل و سبک در بیان احساسات عوامانه بهره گرفته می‌شود؛ به عنوان نمونه، تمرکز روی قد و خط و خال و ابرو و یا اصطلاحات عاشقانه غلیظ.^{۹۳}

ج: نکته سوم در این زمینه، تبدیل شدن آداب و رسوم، به عادات است؛ این امر از آفات جامعه دینی است. در آداب و رسوم دینی، به شدت این استعداد وجود دارد و عادت‌ها به جای آگاهی‌بخشی و بیدارکنندگی، خواب‌آور می‌شوند و عزاداری نیز این حالت را دارد. لذا گاه توجیه‌کننده کارهای زشت می‌شود. این وظیفه مصلحان و واعظان و رهبران دینی جامعه است که پیوسته، مردم را تکانی دهند.^{۹۴} باید همواره به یادداشت که عاطفه بدون تعقل، عادت‌آفرین است و اگر چیزی فقط به عواطف مرتبط شود و نه به عقل، قابلیت تبدیل شدن آن به عادت، خیلی زیاد است و انتظار ایجاد تغییر در آن، انتظار بجایی نیست؛ اما تأمل عقلانی، آن را از حالت کورکورانه، بیرون آورده و زنده و اثربخش می‌سازد.

۱. محیط قمی.

۲. صغیر اصفهانی. (مرثیات).

۳. خوشدل تهرانی.

۴. شمع جمع فؤاد کرمانی.

۵. دکتر قاسم.

۶. نیر تبریزی.

۷. حق بین.

در میان جدیدی‌ها: «مشرق گلهای فروزان» گردآوری قمبرعلی تابش؛ «من می‌گویم شما بگریید» جمع‌آوری علی‌رضا قزوه و سلسله اشعاری که توسط آستان قدس رضوی به چاپ رسیده است.

۹۳. برای اطلاع بیشتر، رک: حسین هوشنگی-یاسین شکرانی، آسیب‌شناسی تربیتی عزاداری‌های امروزی، در: آسیب‌شناسی (مجموعه مقالات)، ص ۱۹۸.

۹۴. سروش، عبدالکریم، اندیشه عاشورا، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ص ۲۹۰.

بعضی دیگر از نویسندگان، با نگاه جامعه‌شناسانه به حادثه عاشورا و برشمردن عزاداری آن در زمره «نمایش‌های چشمگیر»، فلسفه اصلی آن را حفظ، احیاء و انتقال سنن و ارزش‌ها می‌دانند. از این منظر نمایش‌های فوق، قابلیت آسیب‌های جدی را در خود دارد: «اما افراط در این کار (نمایش)، آن را جایگزین مکانیسم‌های انگیزش در تفکر و اندیشه شده و صورت با شکوهی بدون محتوا و بدون مایه‌های فکری می‌سازد و در نتیجه سنت را از درون تهی و آسیب‌پذیر می‌کنند».^{۹۵}

این نکته قابل توجه است که در موارد زیاد، مراسم‌های ما بیش از این‌که ناظر به اهداف نهضت عاشورا باشد و با این انگیزه پیش رود، صحنه نمایش و ابراز وجود دسته خاص یا حسینیّه خاصی است. لذا از ارزش‌های دینی و شیعی، گاه جدا شده و به حاشیه می‌روند و حتی تبدیل به عرصه تبلیغ شخص و جریان خاصی می‌گردند که شاید هیچ شباهتی با صاحب این عزاداری‌ها ندارند.

چند پیشنهاد

الف: به کارگیری هنر برای طرح شعار

هنر از مقوله احساس است و شعار نیز با احساس سروکار دارد؛ لذا ابزار هنر، به بهترین وجه می‌تواند در اختیار طرح بهتر شعار قرار گیرد. علامه فضل‌الله و رسول جعفریان هر دو، اکتفا نکردن به شیوه‌های عزاداری سنتی را گوشزد می‌کنند. علامه می‌گوید: «گرچه مطلوب این است که عاطفه بتواند استمرار عاشورا را تضمین کند و عاشورا را در اعماق باورها و آگاهی‌های انسان جای دهد، ولی ضرورت دارد که همیشه به دنبال شیوه‌های جدید عزاداری باشیم؛ زیرا انسان، با توجه به تحول فرهنگ و ذهنیت خود، دنبال عوامل تأثیرگذار جدید می‌گردد. به تعبیر دیگر: ذهنیت، یک زبان است؛ اگر ذهنیت‌ها، گوناگون و متحول است، معنای آن این است که عوامل تأثیرگذار نیز، باید متناسب با ذهنیت مخاطب، متحول

۹۵. عمادالدین باقی، جامعه‌شناسی قیام امام حسین(ع) و مردم کوفه، نشر نی، ص ۱۱۳ به بعد.



باشد. شاید بعضی شیوه‌های تحریک، تابع شرایط زمانی یا مکانی خاص باشد که در جای دیگر یا زمان دیگر، تأثیری نداشته باشد.^{۹۶}

با عنایت به آنچه گذشت باید این نکات را مد نظر قرار داد:

احیای عاشورا، باید به سبک سنتی آن حفظ شود؛ زیرا این شیوه سنتی و سادگی آن، چهارده قرن قضیه عاشورا را تداوم بخشیده است و هرگونه خدشه در آن، باعث تحلیل رفتن عاشورا در باور عمومی می‌شود.

حفظ جنبه عزاداری، نیازمند پالایش سبک سنتی برای دور نگه داشتن آن از شائبه‌هایی است که با مفاهیم فکری و اخلاقی و شرعی اصیل اسلام، همخوانی ندارند.

باید همه ابزارهای سنتی عزاداری از نظر شرعی بررسی گردند؛ زیرا بعضی مظاهر عزاداری، نظیر قمه‌زنی، بر اساس حکم اولی و ثانوی حرام است.^{۹۷}

ب: به گفته شهید مطهری: «عالمان دین باید در صدد رفع نقاط ضعف مردم باشند، نه در پی استفاده از آن؛ مردم، اولاً به ازدحام این مجالس و از سویی به شور و گریستن، علاقه دارند؛ علما نباید حقایق را فدای این عادت مردم سازند و اسطوره‌سازی کنند و به دشمن کمک کنند؛ بلکه باید به رسوایی دروغ‌گویان بشتابند.

اما عامه مردم، توجه کنند حرمت شنیدن حرام مثل غیبت و دروغ، مثل گفتن آن‌هاست. قرآن کریم می‌فرماید: «واجتنبوا قول الزور»^{۹۸}. «اگر خریدار این کالاها نباشد، عرضه هم کم می‌شود»^{۹۹}

۹۶. سید محمدحسین فضل الله، نگاهی اسلامی به عاشورا، ص ۵۸.

۹۷. منبع بالا؛ محمود یزدانی، قمه‌زنی؛ آبروداری یا آبروریزی، شیعه، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۲۴ و ۸۲؛ حسین برکه الشامی، مقدمه فی الاصلاح و التجدید للشعائر الدینیة، بغداد، دارالاسلام، الطبعة الاولى ۱۴۳۰هـ، ص ۲۰۳

۹۸. (و از گفتار باطل [هم] اجتناب ورزید) سوره حج، آیه ۳۰.

۹۹. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، جلد سوم، چاپ پنجم، سال ۱۳۶۶، ص ۲۹۰.

ج: اضافه بر آنچه در بالا ذکر شد، مدّاحان نیز باید مورد توجّه متصدیان امور قرار گیرند؛ مدّاحان و روضه‌خوانان، باید از معلومات دقیق تاریخی و تحصیلات دینی مناسب، برخوردار باشند و به متون اصیل و زبان عربی آشنا باشند و این کار نیازمند برنامه‌ریزی دقیق روحانیت و خود جامعه مدّاحان است.^{۱۰۰}

د: باید کتاب‌های دقیق در مورد حادثه عاشورا تدوین و در اختیار مردم قرار گیرد. در کنار کتاب‌های تاریخی دقیق، تدوین اشعاری که هم بتواند روح نهضت عاشورا را منعکس سازد و هم عنصر عاطفه را در آن زنده نگه دارد، بسیار ضروری است. همچنین استفاده از ابزارهای مدرن‌تر هنری، برای بیان این پدیده بی‌مانند انسانی و اسلامی، یک نیاز است.

جمع‌بندی

آسیب‌های صوری و محتوایی مورد اشاره، بدون شک در فروکاستن آثار این نهضت عظیم، موثر بوده و بسیاری از انسان‌های آزاده جهان را از بهره‌گیری از آن، محروم ساخته و در واقع بر مخاطبان آن، از جهت کیفی و کمی تأثیر گذاشته است. بیدارگری امت اسلامی و بازگرداندن شوکت و عظمت آن با الهام از نهضت امام حسین(ع)، منوط به آن است که همواره آسیب‌های کهنه و نو این نهضت جاودانه را، رصد و رفع کنیم.

برای اطلاع بیشتر، ر.ک: حسینعلی سعدی، «آسیب‌شناسی گویندگی و مداحی»، در: آسیب‌شناسی (مجموعه مقالات عاشورا پژوهی)، پیشین، ص ۱۷۴ به بعد.



منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. کتاب مقدس (سفر پیدایش، ۲: ۱۶ و ۱۷؛ ۳: ۱۴-۱۹).
۳. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ق، چاپ پنجم، ج ۴.
۴. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام*، تحقیق و تصحیح، محمد حسین حسینی جلالی، قم، ۱۴۰۹ ق، ج ۳.
۵. ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم، ۱۹۹۱-۱۴۱۲ هـ، ج ۴.
۶. ابن طاووس، علی، *لهوف*، ترجمه محمد طاهر دزفولی، انتشارات انصاری، قم، چاپ اول، بهار ۱۳۷۸.
۷. ابن قولویه، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، تحقیق و تصحیح عبد الحسین امینی، نجف اشرف، دار المرتضویه، ۱۳۵۶.
۸. ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی، *وقعة الطف*، تحقیق و تصحیح محمد هادی یوسفی غروی، ایران؛ قم، جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۴۱۷ ق.
۹. احسانی، زهرا و دیگران، *اندیشه عاشورا*، کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی، چاپ اول بهار ۱۳۷۵.
۱۰. ادیب، عادل، *پیشوایان ما، ائمه دوازده گانه (ع)*، ترجمه اسدالله مبشری، ۱۳۶۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. اردکانی، ابوفاضل، *پیامدهای عاشورا*، تحقیقات اسلامی، قم، چاپ چهارم، بهار ۱۳۸۷.
۱۲. امین، محسن، *اصدق الاخبار فی قصه الاخذ بالثار*، دارالمرتضی، ۱۴۲۳ ق = ۲۰۰۳ م.
۱۳. امین، محسن، *المجالس السنیه فی مناقب و مصائب العتره النبویه*، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۲۵ ق.
۱۴. امین، محسن، *رسالة التنزیه فی أعمال التشبیه*، صیدا، ۱۹۲۸.
۱۵. ایزدی مبارکه، کامران، «روش های شناخت آسیب ها و خرافات در گزارش های نهضت عاشورا»، در: آسیب شناسی (مجموعه مقالات عاشورا پژوهی)، ج ۲.

۱۶. بابائی، حبیب الله، *رنج عرفانی و شور اجتماعی*، علمی و فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۱۷. بارا، آنتوان، *حسین در اندیشه مسیحیت*، ترجمه غلام حسین انصاری، بین الملل، تهران، چاپ اول، زمستان، ۱۳۸۸.
۱۸. باقی، عمادالدین، *جامعه‌شناسی قیام امام حسین(ع) و مردم کوفه*، نشر نی، تهران.
۱۹. بشیر، حسن، *تعزیه*، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ص چاپ اول، ۱۳۹۰.
۲۰. پیشوایی، مهدی، *تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهدا و دیگران*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، زمستان ۱۳۹۳.
۲۱. پیشوایی، مهدی و دیگران، *تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهدا*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، زمستان ۱۳۹۳.
۲۲. جعفریان، رسول، *تأملی در نهضت عاشورا*، انتشارات انصاریان قم، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۲۳. حداد عادل، غلام علی، پیام حوزه، شماره پنجم.
۲۴. الحیدری، ابراهیم، *تراجیدیا کربلاء: سوسیولوجیا الخطاب الشیعی*، بی‌جا، دارالکتاب الاسلامی، الطبعة الاولى، ۲۰۰۲م-۱۴۲۳هـ.
۲۵. الخشن، حسین، *الاسلام والعنف، قراءة فی ظاهرة التكفير*، بیروت، المركز الثقافی العربی، الطبعة الاولى، ۲۰۰۶.
۲۶. دشتی، محمد، *پیامهای عاشورا*، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیر المؤمنین(ع)، ۱۳۷۶.
۲۷. دینوری، قتیبه، *الامامة والسیاسة*، ج ۱.
۲۸. رحمانی، جبار، *تغییرات مناسک عزاداری محرم*، تیسرا، تهران، چ اول، پاییز ۱۳۹۳.
۲۹. رضا محمدی، «نگاه یک جانبه و تک بعدی به حماسه عاشورا»، در: شناخت و تحلیل قیام عاشورا؛ عاشورا پژوهی، اصغر فرهادی و دیگران، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۳۰. سبجانی، جعفر، *بحوث فی الملل والنحل*، مؤسسه النشر الإسلامی - مؤسسه الإمام الصادق ع، قم.
۳۱. سروش، عبدالکریم، در اندیشه عاشورا، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی، چاپ اول بهار ۱۳۷۵.



۳۲. سعدی، حسینعلی، «آسیب شناسی گویندگی و مداحی»، در: آسیب شناسی (مجموعه مقالات عاشورا پژوهی).
۳۳. الشامی، حسین برکه، مقدمه فی الاصلاح والتجدید للشعائر الدینیة، بغداد، دارالاسلام، الطبعة الاولى ۱۴۳۰هـ
۳۴. شیبی، کامل مصطفی، الصلوة بین التصوف والتشیع، الجمل، بیروت-بغداد، الطبعة الاولى، ۲۰۱۱م.
۳۵. شیخ طوسی، تلخیص الشافی، محبین، ج ۴.
۳۶. شیخ مفید، المسائل العکبریة، کنگره شیخ مفید.
۳۷. صادقی تهرانی، محمد، ترجمه قرآن کریم، چاپ اسوه، ۱۳۸۲.
۳۸. صادقی، محمدحسین، عقلانیت قرآنی در نهضت عاشورا، مجله آفاق، سال نهم، شماره سی و یکم و سی دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
۳۹. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۵، ج ۷.
۴۰. الصفار القمی، محمد ابن الحسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد(ص)، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴هـ
۴۱. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۲. الطبری، ابی جعفر محمد بن جریر، تاریخ الطبری تاریخ الامم والملوک، دار و مکتبه الهلال، بیروت، الطبعة الاولى، ج ۳.
۴۳. فضل الله، سید محمدحسین، نکاهی اسلامی به عاشورا، ترجمه محمد جمعه امینی، نشر دفتر آیه الله فضل الله، قم، ۱۳۸۴.
۴۴. قاضی عبدالجبار، المغنی فی أبواب التوحید والعدل، الدار المصریة، کتاب المخلوق.
۴۵. قانديان، «نارسی دو دیدگاه «حکومت خواهی» و «شهادت طلبی»»، در: اندیشه عاشورا، (کنگره بین المللی امام خمینی و عاشورا).
۴۶. قزوه، علی رضا، من می گویم شما بگریید، سوره مهر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۴۷. کنت آندره - اسپونل، *رساله‌ای کوچک در باب فضیلت‌های بزرگ*، ترجمه مرتضی کلانتریان، آگاه، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۵.
۴۸. گلی زواره قمشه‌ای، غلامرضا، *تأملی در باب تعزیه*، مجله نور، علم شماره ۴۶، مرداد و شهریور ۱۳۷۱.
۴۹. گوهری، عباس، محمد جانی پور، «*آسیب‌شناسی گفتمان عزاداری و روایتگری حماسه عظیم عاشورا*»، در مجموعه مقالات عاشورا پژوهی، کامران ایزدی و دیگران، تهران دانشگاه امام صادق(ع)، ج دوم، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۵۰. مبلغی احمد و دیگران، *نهضت عاشورا*، جستارهای کلامی، سیاسی و فقهی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۷.
۵۱. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۴۵، ص ۴۰-۴۱.
۵۲. محتشم کاشانی، *دیوان محتشم کاشانی*، تصحیح و مقدمه اکبر بهداروند، نگاه، تهران، چاپ اول، بهار ۱۳۷۹.
۵۳. محمدی ری‌شهری، محمود طباطبایی نژاد، روح الله سید طبایبی، *دانشنامه امام حسین(ع)*، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۸ + ۱۴۳۰ ق
۵۴. مزینانی، محمدصادق، *نقش زنان در حماسه عاشورا*، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۵۵. مستوفی، عبدالله، *شرح زندگانی من*، انتشارات زوار، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۴ ش.
۵۶. المسعودی، ابوالحسن علی ابن الحسین بن علی، *مروج الذهب*، ج ۱، بیروت، بی‌تا، ص ۳۱۰.
۵۷. المصطفی، حسین، *ملاحیح المنهیح التربوی فی النهضه الحسینیة*، بیروت، دارالهادی، ۱۴۲۹-۲۰۰۸ م.
۵۸. مطهری، مرتضی، *حماسه حسینی*، جلد سوم، چاپ پنجم، صدرا، قم، ۱۳۶۶.
۵۹. مفتاح، احمدرضا، محسن ربانی، *مقایسه مفهوم فدیه از نظر مسیحیت و شفاعت از نظر شیعه*، مجله الهیات تطبیقی، سال پنجم، شماره دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.
۶۰. مفید، محمد بن محمد، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق. ج ۲.



۶۱. مکارم شیرازی، ناصر، *اندیشه عاشورا*، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ۱۳۷۴.
۶۲. موسویان، ابوالفضل، «*اخلاق فضیلت گرا در سیاست معصومان و نهضت عاشورا*» در: مجموعه مقالات حماسه حسینی، جمعی از پژوهشگران، دارالمعارف شیعی، قم، چاپ اول، پائیز ۱۳۹۱.
۶۳. مهریزی، مهدی، *ماهیت انسانی قیام امام حسین (ع)*، صحیفه خرد، قم، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۶۴. ناصری، عبدالمجید، *انقلاب کربلا از دیدگاه اهل سنت*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
۶۵. نعمت الله صالحی نجف آبادی، *شهید جاوید حسین بن علیہ السلام*، مؤسسه خدماتی فرهنگی رسا، تهران، چاپ دوازدهم، شهریور ۶۱.
۶۶. نوری، میرزا حسین، *لؤلؤ و مرجان*، تحقیق و ترجمه جابر رضوانی، قم، بنی الزهرا (س)، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۶۷. واسعی، علی رضا و دیگران، *نگاهی نو به جریان عاشورا*، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
۶۸. هاشمی نژاد، عبدالکریم، *درسی که حسین به انسان ها آموخت*، ایران، مشهد، شاهد، چاپ پنجم ۱۳۸۶.
۶۹. هوشنگی حسین-یاسین شکرانی، *آسیب شناسی تربیتی عزاداری های امروزی*، در: *آسیب شناسی (مجموعه مقالات)*.
۷۰. یزدانی محمود، *قمه زنی؛ آبروداری یا آبروریزی*، شیعه، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۸.